



## دشمن دوستی و مردم غریبی

مجتبی اصغری

به‌طور معمول دولت‌هایی که به اصطلاح ما ایرانی‌ها از ملت خود «رو» می‌گیرند و اقدامات بین‌المللی‌شان را در لفاظی‌های از پنهان‌کاری، مخفی می‌سازند، از شاخصه‌های واجب «قدرت مردمی» فاصله خواهند گرفت. پیگیری «دیپلماسی محرمانه» توسط دولت یازدهم و تیم مذاکره‌کننده ایرانی در موضوع هسته‌ای به‌رغم نپهی صریح رهبر انقلاب، امروز به تضعیف روحانی و یارانش در فضای جهانی منجر شده است. به نحوی که رسانه‌های آمریکایی و اروپایی با بیجان روایت‌های محرمانه و دردآور از روابط پنهانی که دور از چشم مردم سالیان دراز ادامه داشته، به تلاش‌های خود در مسیر «تغییر ایران» اعتراف می‌کنند! موضوعی که البته از نظر آنها یک «موفقیت دیپلماتیک جدی» به جهت تاثیرگذاری بر برنامه‌ریزی‌ها و محاسبات جدی‌ترین رقیب فرمانقلمای حاضر در میدان به شمار می‌رود.

اکنون سیاستمداران نظام لیبرال - سرمایه‌داری براساس اصل «شفافیت اطلاعات»، در حال ثبت روایت تاریخی خود از مذاکرات و معاملاتی هستند که از سمت ایران تاکنون «محرمانه» نگاه داشته شده و به جز مواردی که با صراحت و شفافیت خاص رهبر انقلاب به سمع و نظر مردم رسیده، باقی در حال افشا شدن از سمت دشمن است!

پس از افشاجاری جالب توجه بنیاد برادران راکفلر درباره هزینه‌کرد میلیارد دلاری ۱۰ ساله، با تمرکز بر برخی از مشهورترین دیپلمات‌های ایرانی در قالب برنامه «پروژه ایران»، اکنون آمریکایی‌ها بخش‌هایی از دیدارهای محرمانه صورت گرفته میان تیم‌های مذاکره‌کننده آمریکا و ایران را در معرض قضاوت افکار عمومی جهانی قرار داده‌اند.

«جان ففر»، سردبیر یکی از پایگاه‌های خبری دموکرات‌ها به نام «لاپلاگ» که از همکاران رسانه‌ای برنامه «ایران پروجکت» به حساب می‌آید، با اشاره به مخاطرات «شفافیت اطلاعات» تلاش کرده در مقاله «چالش‌های عملیات صلح»، سیاستمداران مخالف توافق و جامعه رسانه‌های آمریکا را متوجه این موضوع کند که چنین عملکردی در برخورد با ایران تا چه اندازه می‌تواند خطرناک باشد! او می‌گوید «هر چند ما سال‌هاست از شفافیت اطلاعاتی و به عبارتی تاباندن نور به هر نکته تاریک اطلاعاتی استقبال می‌کنیم و معتقدیم آفتاب بهترین ضدعفونی‌کننده و از بین برنده فساد است اما حقیقت این است که شفافیت زیادی، همچون قرار گرفتن طولانی مدت در معرض آفتاب، می‌تواند به سوختگی منجر شود»!

مدیر سیاست خارجی موسسه فارین پالیسی در ادامه می‌گوید: «مانیاز به حفظ سیاست محرمانگی در امضای توافق مخفی با ایران داریم، چرا که اغلب کار براساس اعتماد صورت گرفته است!» وی سپس در حمایت از «حس اعتماد تیم ایرانی به آمریکا‌ها» استدلال می‌کند که «دیپلماسی نیاز به اعتماد دارد و دو طرف این اعتماد را پردازش خواهند کرد. پس هیچ بعید نیست طرف مقابل مطالبی را با هدف اعتمادسنجی به شما بگوید تا ببیند فردا سر از رسانه‌ها در می‌آورد؟» در حقیقت معانی این جملات آن است که لطفا کمتر به اعتماد تیم مذاکره‌کننده ایران خیانت کنید، چون این موضوع برای صلح مورد علاقه آمریکا و اسرائیل خطرناک است!

آنچه در میان افشاجاری‌های بی‌دریسی آمریکایی‌ها برای ما مهم است، صرفاً زمان و مکان مذاکرات صورت‌گرفته و افشای هماهنگی بی‌نظیر برخی داخلی‌ها با «دیپلماسی آمریکایی» نیست، بلکه تاکید آنها بر «عتماد به آمریکا» با موضوع‌گیری‌های آشفته در عین پریشان‌حالی، در تقابل با گروه‌های متنوعی از مردم و رسانه‌های داخلی است.

هم‌اکنون در ویرتین اندیشکده‌های آمریکایی همچون رند و همین پایگاه خبری لاپلاگ، مقالات تحقیقی متعددی با این سرفصل به چشم می‌خورد که آمریکا باید از دولت ایران حمایت کند تا فضا برای ایجاد «تغییرات از درون» در این کشور مهیا باقی بماند. حتی به صراحت درباره اهمیت تمرکز آمریکا بر حفظ «ظرفیت سیاسی تیم فعلی» در برهه‌های انتخاباتی آینده ایران، گمانه‌زنی می‌شود!

ادامه در صفحه ۵

# حقیش بود

## مهدی هاشمی سرانجام به جرم ارتشاء روز گذشته برای گذراندن مجازات ۱۰ سال حبس وارد زندان اوین شد

صفحه ۲



عکس: محسن عطایی/فارس

سؤالی که وزارت امور خارجه هنوز به آن پاسخ نداده است

## چرا متن انگلیسی بر جام نسخه یکسان فارسی ندارد؟!

نگاه‌امروز

وحید شورابی\*

تحویلی داد که ۳ بار توسط مجلس به دلیل غلط به وزارت امور خارجه عودت داده شد! وزارت امور خارجه نه‌تنها در این زمینه ابهام‌زدایی نکرده است، بلکه با ترجمه‌های غلط خود که بعد از مدت کوتاهی آن را نیز از روی سایت وزارت امور خارجه حذف کرد عملاً فضا را غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر کرد.

عدم یکسان‌سازی متن فارسی با متن انگلیسی بهترین فرصت را برای غرب و بویژه آمریکایی‌ها فراهم می‌کند تا با برداشت خود حقوق کشورمان در این توافق را تضییع کنند و با زیاده‌خواهی شرایطی را رقم بزنند که از لحاظ حقوقی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نداشته باشیم.

غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر کرد. عدم یکسان‌سازی متن فارسی با متن انگلیسی بهترین فرصت را برای غرب و بویژه آمریکایی‌ها فراهم می‌کند تا با برداشت خود حقوق کشورمان در این توافق را تضییع کنند و با زیاده‌خواهی شرایطی را رقم بزنند که از لحاظ حقوقی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نداشته باشیم.

غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر کرد. عدم یکسان‌سازی متن فارسی با متن انگلیسی بهترین فرصت را برای غرب و بویژه آمریکایی‌ها فراهم می‌کند تا با برداشت خود حقوق کشورمان در این توافق را تضییع کنند و با زیاده‌خواهی شرایطی را رقم بزنند که از لحاظ حقوقی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نداشته باشیم.

غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر کرد. عدم یکسان‌سازی متن فارسی با متن انگلیسی بهترین فرصت را برای غرب و بویژه آمریکایی‌ها فراهم می‌کند تا با برداشت خود حقوق کشورمان در این توافق را تضییع کنند و با زیاده‌خواهی شرایطی را رقم بزنند که از لحاظ حقوقی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نداشته باشیم.

غبارآلود و ابهام‌آمیز را برای منتقدان بیشتر کرد. عدم یکسان‌سازی متن فارسی با متن انگلیسی بهترین فرصت را برای غرب و بویژه آمریکایی‌ها فراهم می‌کند تا با برداشت خود حقوق کشورمان در این توافق را تضییع کنند و با زیاده‌خواهی شرایطی را رقم بزنند که از لحاظ حقوقی چاره‌ای جز پذیرش خواسته‌های طرف مقابل نداشته باشیم.

\* کارشناس ارشد روابط بین‌الملل

پزشکی قانونی، آماده‌ترین نهاد در بحران

## سایه مذاکرات بر سیل اخیر

برخوردار است! انتظار جامعه این است که تمام نهادهای مرتبط با مدیریت بحران از نظر آمادگی و توان برای مواجهه با حوادث طبیعی در کنار پزشکی قانونی قرار بگیرند و بتوانند وظایف ذاتی خود را به درستی و با دقت انجام دهند.

تکنه درس آموز دیگری که در حوادث سیلاب اخیر وجود دارد این است که از سایه انداختن اخبار سیاسی و بین‌المللی بر مسائلی که با جان مردم سر و کار دارد جلوگیری کنیم. واقعیت این است که مباحث و اخبار مذاکرات و توافق هسته‌ای، توجه به سیلاب را به حاشیه برد و حتی برخی مقامات و رسانه‌های وابسته و مدافع آنها تمایل نداشتند حال خوب موقت خود را با اخبار ناگوار و واقعیت‌های تلخ مرتبط با سیلاب و خسارت‌های جانی و اقتصادی آن خراب کنند!

در چنین شرایطی توجه بهتر و بیشتر به قانون مدیریت بحران کشور شاید بخشی از مشکلات و معضلات در این زمینه را مرتفع کند. در این قانون بیان شده است رئیس‌جمهور، ریاست شورایی مدیریت بحران را برعهده دارد و قائم‌مقام این شورایی نیز وزیر کشور است. در این قانون برای تمام مراحل مدیریت بحران، از پیشگیری تا بعد از وقوع حادثه، پیش‌بینی‌هایی نشده است. بنا به گفته و اظهار نظر آقای روحانی، «حوادث طبیعی اجتناب‌ناپذیر است. در اینگونه حوادث ابتدا باید تا جایی که می‌توانیم پیش‌بینی درست انجام دهیم و با تمام توان به مردم اطلاع‌رسانی کنیم».

تاکید رئیس‌جمهور بر اصل پیش‌بینی و اطلاع‌رسانی گویای ضعف اساسی نهادها و دستگاه‌ها در مرحله پیشگیری است. همچنین تسلیت گفتن نهادها و مقامات دولتی به مردم و بازماندگان قربانیان حوادث طبیعی هرچند امری پسندیده است اما آنچه می‌تواند مردم را به تکرار نشدن کوتاهی‌های دولتی امیدوار کند، عذرخواهی و پذیرفتن قصور است. فرهنگی که به این سادگی‌ها از سوی دولتمردان ما پذیرفته نمی‌شود، چراکه پذیرفتن آن الزامی به همراه دارد و آن الزام، تکرار نشدن قصور است.

برمی‌آیند. در همین باره باید به اظهارات مسؤول مستقیم مدیریت بحران در یکی از شهرهای اطراف تهران اشاره کرد که در زمان وقوع سیلاب گفته بود: ما از رودخانه صدای درخواست کمک مردم را می‌شنیدیم اما برای امدادسانی دچار مشکل بودیم.

مطابق ادعای همین مقام دولتی، مدیران بحران این شهرستان در مرخصی به سر می‌برده‌اند! این اظهارات نه‌تنها نشانگر وجود ضعف‌های اساسی و بایه‌ای در مدیریت بحران است بلکه با پررنگ‌تر کردن بی‌تدبیری‌ها، موجب کم‌رنگ شدن امید مردم به این نهادها و مدیران می‌شود. باز هم سوال: چرا افرادی که سال‌ها از بیت‌المال حقوق و مزایا می‌گیرند تا در مواقع بحران در خدمت مردم و جامعه باشند، دقیقاً در زمان حادثه و بحران در مرخصی به سر می‌برند؟!

در چنین شرایطی بهترین پیشنهاد این است که این نهادها و مقامات به طور دقیق و روشن برای افکار عمومی توضیح دهند در طول سال‌های گذشته چه بودجه‌هایی دریافت کرده‌اند و این بودجه‌ها چگونه هزینه شده است؟

واقعیت این است که سیل اخیر، آبروی برخی نهادها و دستگاه‌ها را نیز با خود برد و ثابت کرد اگر حادثه‌ای سخت‌تر و تلخ‌تر همچون زلزله رخ دهد، شاید ساختمان‌های ملی و محلی مدیریت بحران هم بر سر مدیران و اعضای آنها خراب شود. در این میان البته نباید از آمادگی کامل سازمان و ادارات پزشکی قانونی غافل شد، چراکه گویا آنها تنها نهادی هستند که مسؤلیت خود را به درستی و با دقت کامل انجام می‌دهند، طوری که هیچ تردید و بحثی درباره آن نیست و مردم آمار و مانورهای مدیریت بحران در اختیار آنها قرار می‌گیرند. حال سوال افکار عمومی و رسانه‌ها این است که این پول‌ها برای چه هزینه شده است؟ و خروجی این هزینه‌ها چه بوده است؟

**بودجه‌های مدیریت بحران کجاست؟** برخی مقامات مسؤول در مدیریت بحران حتی در مصاحبه‌هایشان به طور ناخودآگاه ادعای می‌کنند ناتوان هستند، تدبیر ندارند و از عهده امور

**گزارش امروز** مهدی جابری: حادثه‌های طبیعی می‌آیند و می‌روند، نهادی که وظیفه پیشگیری و آموزش و فرهنگسازی دارند تا مدتی سکوت می‌کنند و دستگاه‌های امدادرسان و مرتبط با حادثه نیز آنقدر فرافکنی می‌کنند تا ردپایی از هیچ توضیح و کوتاهی به جا نماند.

به گزارش «وطن امروز» وقوع سیلاب‌های اخیر در کشور نشان داد ما همچنان برای مدیریت بحران در مراحل قبل و بعد از حوادث طبیعی دچار مشکلات و کاستی‌های اساسی هستیم. برخی مقامات مسؤول حرف از غافلگیری به میان آوردند و آن را علت خوبی برای توجیه کم‌کاری‌ها قلمداد کردند. حال سوال این است که مگر قرار است حادثه‌ها پیش از وقوع به ما اطلاع‌رسانی کنند؟! نام «مدیریت بحران» بسیار گویاست و به نظر نمی‌رسد نیاز به توضیح اضافه داشته باشد اما

مواجهه برخی مدیران و مسؤولان با بحران اخیر نشان داد آنها هنوز در معنای مدیریت بحران گیر کرده‌اند و نمی‌دانند مدیریت بحران مراحل مختلفی دارد که آماده‌باش پیش از وقوع حوادث نیز جزئی از آن است. مدیریت بحران تمام اقدامات مرتبط با پیشگیری، مدیریت خطر، سازماندهی و مدیریت منابع مورد نیاز برای مواجهه با بحران را شامل می‌شود بنابراین «غافلگیری» باید در مرحله پیشگیری حل شود و نشانی از آن باقی نماند.

مدیران، اعضا و کارکنان نهادهای مرتبط با مدیریت بحران، چه در سطح ملی و چه در سطح محلی، سال‌های سال از بیت‌المال حقوق و مزایا و امکانات دریافت می‌کنند و علاوه بر این میلیاردها تومان بودجه و اعتبار با عنوان همایش‌ها و مانورهای مدیریت بحران در اختیار آنها قرار می‌گیرد. حال سوال افکار عمومی و رسانه‌ها این است که این پول‌ها برای چه هزینه شده است؟ و خروجی این هزینه‌ها چه بوده است؟

**بودجه‌های مدیریت بحران کجاست؟** برخی مقامات مسؤول در مدیریت بحران حتی در مصاحبه‌هایشان به طور ناخودآگاه ادعای می‌کنند ناتوان هستند، تدبیر ندارند و از عهده امور ترجمه‌های غلط از متن انگلیسی در برجام روشن نیست. آیا وزارت امور خارجه از اینکه باید به صورت همزمان متن فارسی را با ارزش حقوقی یکسان با متن انگلیسی تنظیم می‌کرده است آگاه نبوده است؟! مذاکره‌کنندگان کشورمان تاکنون به این سوال پاسخی نداده‌اند.

دریافت پیام‌های شمارد شبکه‌های اجتماعی



۰۹۲۱۸۳۶۴۷۹۶

پیامک خوانندگان ۱۰۰۰۲۲۳۱